

تأملاتی در تعامل با فرهنگ‌ها در زمینه نظریه‌ها و اصطلاحات، (نمونه: فضا و مکان)

محمد نقی زاده *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در دوران جهانی شدن و سرعت تبادلات اطلاعات، فرهنگ جوامع و به تبع آن شیوه زیست و آثار آنان را تحت تأثیر خود قرار داده است، نحوه تأثیرپذیری آن‌ها از جوامع قدرتمند و پیشرفته صنعتی می‌باشد. نکته اساسی در تعاملات فرهنگی به میزان و نوع تأثیرگذاری جوامع بر فرهنگ یکدیگر بستگی دارد که به تبع آن، سلطه‌پذیری‌ها و سلطه‌گری‌ها به منصفه ظهور می‌رسند. این سلطه‌ها الزاماً از طریق قوه قهریه نبوده و از راه تبلیغ و ترویج تا تقلید و تکرار الگوهای فرهنگی و شیوه زیست و به تبع آن تحولات فکری نتیجه می‌شوند. ده‌ها سال است که جوامع در حال توسعه یا عقب‌مانده صنعتی (به هر دلیلی) جوامع توسعه‌یافته صنعتی را به‌عنوان الگوی خویش پذیرفته و سعی در تکرار و تقلید آرا و نظریه‌ها و اعمال و شیوه زیست آن‌ها دارند. بدون ورود در همه مباحثی که ممکن است در این مقوله قابل طرح باشند، در این مجال، به موضوع زمینه‌ها و معادل‌گزینی برخی تعابیر اشاره می‌شود. در واقع سؤال اصلی این است که در تعاملات با سایر جوامع، در قلمرو نظریات و آرای مطروح و همچنین در کاربرد تعابیر و اصطلاحات، چه موضوعاتی را باید مد نظر قرار داد تا ضمن بهره‌گیری از دستاوردهای دانش بشری از سلطه‌پذیری فکری و فرهنگی و عملی جامعه تا حد امکان پیشگیری شود. در انجام تحقیق نیز روش استقرایی مد نظر قرار گرفته و با تحلیل مواردی خاص و مشخص از موضوعات مطرح، نتیجه‌ای عمومی استنتاج شده و سپس درباره دو نمونه خاص (فضا و مکان) توضیحاتی ارائه خواهد شد. اهم نتایج و دستاوردهای مقاله عبارت‌اند از: تبیین فرایند تحولات فضا و تبدیل آن به مکان در شهر و ارائه تعاریف مراتب مختلف مکان، معرفی انواع طبقه‌بندی مکان، تبیین اشکالات ترجمه‌های جاری و لزوم ارائه تفسیر یا توضیح موضوعات به تناسب فرهنگ جامعه ایرانی و معرفی نسبت‌های مفاهیم واژگان ظاهراً معادل در دو زبان به نسبت فرهنگ‌های متفاوت آن‌ها.

کلیدواژه‌ها

شهر، شهرسازی، فضا، مکان، معماری، تعامل فرهنگی.

پرسش‌های پژوهش

۱. در تعاملات علمی و فرهنگی با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، به‌ویژه در زمینه ترجمه و بهره‌گیری از نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌ها و تعبیر و اصطلاحات چه موضوعاتی را باید مد نظر قرار داد تا در استفاده از تجارب و دانش بشری و تعاملات فرهنگی فی‌مابین، از تقلید و تکرار الگوهایی که منجر به دگرگونی فرهنگی و استحاله فکری و بحران هویت یا احساس حقارت در مقابل دیگران خواهند شد پیشگیری شود؟
۲. روش‌های طبقه‌بندی مکان‌ها براساس چه معیارها و در چه قلمروهایی امکان‌پذیر است؟
۳. طبقات واژه‌ها و تعبیر رایج در شهرسازی کدام‌اند؟ ارتباطشان با جهان‌بینی و فرهنگ خودی چیست؟ و مقایسه اجمالی طبقات مفاهیم و موضوعات در جوامع مختلف (مثلاً دنیای اسلام و غرب) چگونه است؟

مقدمه

در این دوران، در بسیاری از موارد و موضوعات و زمینه‌ها، سخنان و آرا و نظریه‌های مأخوذ از سایر جهان‌بینی‌ها و فرهنگ‌ها و تمدن‌ها (به‌ویژه از سوی افراد مبتدی) به‌عنوان نظریه‌های محرز و علمی که باید از آن‌ها تبعیت و پیروی کرد، پذیرفته می‌شوند. غافل از اینکه اولاً هر علمی علاوه بر آنکه متکی بر جهان‌بینی مبدع و ارائه‌دهنده‌اش می‌باشد، به‌عنوان مروج مبانی همان جهان‌بینی نیز ایفای نقش می‌کند؛ ثانیاً بسیاری از موضوعات یا نظریه‌هایی که در برخی از نوشته‌ها مطرح می‌شوند در حالت اظهار نظر باقی مانده یا خاص یک جامعه یا سرزمین مشخص هستند و به هیچ وجه قابلیت و صلاحیت تسری به سایر جوامع و فرهنگ‌ها را ندارند. توجه کنیم که «جهان‌بینی» و «علم» و «عقل» ارتباطی ناگسستنی با یکدیگر و تأثیرات متقابلی بر شکل‌گیری و تغییرات یکدیگر دارند. این موضوع یعنی تکرار و تقلید ناصواب آرای دیگران و به‌ویژه فصل‌الخطاب و «آخرین» و «علمی‌ترین» پنداشتن آن‌ها که در میان عده زیادی به وفور رواج دارد، انگیزه نگارش مطلب حاضر بوده است تا شرح اجمالی موضوع و تنویر افکار گردد. به بیان دیگر، پذیرش بی‌قید و شرط برخی از نظریه‌ها (و وحی منزل تلقی کردن آن‌ها) و معادل‌گزینی و تحمیل برخی تعبیر به فضاها و مکان‌های ایرانی (مثل اطلاق مکان سوم به مسجد یا علت فضای شهری قلمداد کردن آن) انگیزه نگارش این مطلب بوده است. توجه کنیم که مفاهیم و موضوعات مربوط به شهر و زندگی و شیوه زیست و ارزش‌های اخلاقی مانند موضوعات کمی و ریاضی و علوم طبیعی نیستند و بسته به جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط تاریخی و سرزمینی و اجتماعی معانی و مصادیق خود را دارند.

به هر حال، سؤال اصلی مقاله این است که در تعاملات علمی و فرهنگی با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، به‌ویژه در زمینه ترجمه و بهره‌گیری از نظریه‌ها و نظریه‌پردازی‌ها و تعبیر و اصطلاحات، چه موضوعاتی را باید مد نظر قرار داد تا در استفاده از تجارب و دانش بشری و تعاملات فرهنگی فی‌مابین، از تقلید و تکرار الگوهایی که منجر به دگرگونی فرهنگی و استحاله فکری و بحران هویت یا احساس حقارت در مقابل دیگران خواهند شد پیشگیری شود؟ درباره روش تحقیق مورد استفاده در این مقاله می‌توان به روش استقرایی اشاره کرد، که با بهره‌گیری از تجارب نگارنده و مشاهده و مطالعه منابع مورد استفاده در این زمینه و تحلیل آن‌ها نتایج حاصل خواهند شد. نکته قابل تأمل آنکه عموماً (بدون ذکر بسیاری از نمونه‌ها که خوشبختانه همگان با آن‌ها آشنا هستند و ذکر آن‌ها سخن را به درازا خواهد کشاند) تحلیل‌ها که عموماً نیز (به نوعی) خودشان نتیجه هستند به ارباب معرفت تقدیم شده است.

۱. ضرورت تدوین تعاریف بومی برای اصطلاحات و موضوعات مبتلابه زندگی

تعامل میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و جوامع در زمینه‌های مختلف فکری و علمی و رفتاری و فناوری، امری محتوم و غیرقابل‌انکار و البته ضرورت جامعه بشری است. در این زمینه، سه اندیشه یا سه شیوه یا سه رویکرد مطرح‌اند که

هر کدام نتایج متفاوتی را به بار می‌آورند. زمینه اول تأثیرپذیری صرف و تقلید و تکرار آرا و الگوهای وارداتی است که این رویه عموماً از سوی جوامعی که دچار از خودبیگانگی و خودباختگی شده و دیگران را به‌عنوان الگو و مقصد نهایی پذیرفته‌اند دنبال می‌شود. زمینه دوم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل و عقلانی و با آگاهی و به عبارت بهتر، بهره‌گیری مناسب از دانش بشری است. زمینه سوم قصد تأثیرگذاری مطلق بر سایر فرهنگ‌ها و همسان نمودن آن‌ها به فرهنگ خویش است که امروزه از آن به‌عنوان جهانی‌سازی (به مثابه پروژه) تعبیر می‌شود. این روش در پی سلطه عمومی بر همه جوامع است و از علم و فناوری و فرآورده‌های مختلفی که در اختیار دارد، به‌عنوان ابزار بهره می‌گیرد.

در مقوله مطالعه و تحلیل و ارزیابی موضوعات فرهنگی و در تعاملات فرهنگی سه موضوع «تعالی فکری و فرهنگی»، «تصفیه آرا و الگوهای وارداتی» و «پویایی آرا و الگوهای رایج و بومی» جهت‌دهنده ارتباطات فکری و فرهنگی و علمی با سایر جوامع و تمدن‌هاست. در این مجال برآنیم تا در فضای فکری زمینه دوم، یعنی ارتباط متقابل با سایر جوامع و تمدن‌ها و با جهت‌گیری فرهنگ به سوی «تعالی» و «تصفیه» و «پویایی» فرهنگی به موضوع نظریه‌ها و اصطلاحات در مقوله شهرسازی اشاره نماییم تا به‌وسیله آن شیوه‌ای روشن برای تعامل سازنده با سایر جوامع شناسایی شود.

اگرچه به تناسب درباره مفاهیم برخی از تعابیر و تفاوت معنا و مصداق آن‌ها در جوامع مختلف صحبت شده است (نقی‌زاده ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۹؛ ۱۳۹۲ ب)، در این فرصت سعی بر آن خواهد بود تا برای اثبات تمایزات مفاهیم و معانی تعابیر و واژه‌ها و اصطلاحات وارداتی با مفاهیم و معانی ایرانی، طبقات مختلف تعابیر و اصطلاحات در جوامع مبدأ و مقصد، یا فرستنده و گیرنده یا مبدع و مقلد، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرند تا به استناد نتایج حاصل بتوان اثبات کرد که اولاً تعابیر و اصطلاحات رایج در یک‌یک جامعه (بدون فرآوری مناسب و اصلاح) قابلیت رواج در جوامع دیگر (به‌ویژه که جهان‌بینی و فرهنگ آن‌ها متفاوت باشد) را ندارند و ثانیاً با معیارهای مأخوذ از یک جامعه و اندیشه یا تفکر خاص نمی‌توان رفتارها و آرا و آثار جوامع دیگر را ارزیابی کرد.

۲. نمونه‌هایی از مشکلات و اشکالات

در این قسمت، برای وضوح بحث و اثبات ضرورت پرداختن به مبانی فکری و تبعات فرهنگی آرا و نظریات وارداتی، به برخی از اشکالات و مشکلاتی اشاره می‌شود که به‌ویژه در اثر معادل‌گزینی‌های ناصواب، یا نقل آرای دیگران بدون توضیح ابعاد مختلف و ریشه‌های آن‌ها پدید می‌آیند و عموماً نیز بر ادبیات در دسترس حاکم‌اند. الف. در اکثر قریب به اتفاق موارد، ترجمه‌ها نیازمند متخصص بودن مترجم و بومی کردن موضوع (و به عبارت دیگر، معرفی یا ارائه نسخه بومی موضوع) می‌باشند. این موضوع به‌ویژه وقتی اهمیت می‌یابد که قرار باشد متن ترجمه‌شده به‌عنوان «متنی علمی» مورد توجه و استفاده مدرسان و دانشجویان و اهل حرفه قرار گیرد. سخن در این است که اگر متونی موضوعات و مصادیقی را معرفی می‌کنند که به هر دلیلی با فرهنگ و شیوه زیست بومی در تعارض‌اند، باید دقت شود تا این موضوع به‌عنوان موضوعی علمی و ثابت و لایتغیر (مثل علوم طبیعی و فنی و ریاضی) تلقی و به جامعه القا نشود؛ و خوانندگان و به‌ویژه جوانان و دانشجویان بدانند که موضوع ترجمه‌شده الزاماً بهترین و تنها مصداق قابل تقلید موضوع نیست. مثل اینکه وقتی از مکان‌های عالی عمومی صحبت به میان می‌آید و مکان‌های مورد نظر نویسنده اصلی با ارزش‌های فرهنگ عمومی مقصد تناسب ندارند، مترجم متخصص باید بتواند ضمن عدم معرفی آن مکان (نامتجانس با فرهنگ بومی)، و در عین عدم حذف آن، مکان‌های بومی و اصیل را به مخاطب معرفی نماید. برای نمونه، الدنبرگ در کتاب خود را به نام مکان خوب عالی: کافه‌ها، کافی‌شاپ‌ها، بارها، سالن‌های آرایش و فضاهای دیگری که در قلب محله قرار دارند، مکان‌های عمومی یا مکان سوم می‌نامد که فعالیت‌های غیررسمی در آن‌ها جریان دارد (به نقل از: کارمونا ۱۳۸۸، ۲۲۶). مکان سوم در مقابل دو مکان اول و دوم (خانه و محل کار) قرار دارد و یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌هایی که برای آن بیان می‌شود «وجود حال و هوای بازی و تفریح در فضاست» (به نقل از: کارمونا ۱۳۸۸، ۲۲۷). ملاحظه می‌شود که چنین ترجمه‌ای به‌خصوص برای

دانشجویان که متنی (مثلاً) علمی را مطالعه می‌کنند، چالش‌برانگیز و گمراه‌کننده خواهد بود. انتخاب برخی واژه‌ها مثل قهوه‌خانه، آب‌میوه‌فروشی و امثال اینها به‌عنوان معادل نیز نادرست است. در این‌گونه موارد، ارائه بحث‌های مناسب و محققانه و عالمانه (در حاشیه متن) می‌تواند راهگشا باشد. توجه کنیم که در هریک از حالات، حذف نام مکان یا انتخاب معادل‌های ناصواب یا ترجمه تحت‌اللفظی (و مطابق فرهنگ‌نامه‌ها) خواهد توانست متن مفیدی را در اختیار دهد.

گاهی این اشتباه به نحو دیگری رخ می‌دهد، به این ترتیب که چون نمی‌توان برخی مکان‌ها همچون مسجد را در گروه مکان‌های اول و دوم قرار داد، آن‌ها را مکان سوم تلقی می‌کنند که اشکال و عدم صحت آن اظہر من الشمس است؛ چراکه اساساً مکان‌های مذهبی نه مکان تفریح هستند و نه جای بازی. این مشکل از آنجا ناشی می‌شود که تقسیم‌بندی مکان‌ها در سه گروه و به عبارت بهتر همه زندگی را در سه گروه مسکن و کار و تفریح خلاصه کردن، امری محرز و حتمی تلقی شده و به تبع آن‌ها مکان‌ها نیز در سه گروه قرار می‌گیرند. این موضوع (یعنی تحدید فعالیت‌های جاری در شهر که همان تقسیم‌بندی زندگی است) در آرای مدرنیست‌ها و از جمله در منشور آن نیز مطرح و همه فعالیت‌های جاری در شهر در چهار مقوله «مسکن»، «کار»، «حرکت» و «تفریح» خلاصه شده‌اند (لوکربوزیه ۱۳۵۵). درحالی‌که بسیاری از فعالیت‌ها از جمله فعالیت‌های رسمی و دائمی مذهبی، آموزشی، خدماتی، درمانی، تجاری و مانند اینها و بسیاری از فعالیت‌های موردی یا ادواری (اعم از رسمی یا غیررسمی) مثل برپایی آیین‌ها، مراسم، جشن‌ها، جشنواره‌ها و امثالهم از فعالیت‌های اصلی و حتی هویت‌بخش بسیاری از شهرها و جوامع هستند.

ب. برخورد با یک واژه یا تعبیر یا اصطلاح بیگانه (اگر معنی و مصداق نامطلوبی داشته باشد) به چند طریق انجام می‌شود.

- روش اول آن است که واژه دقیقاً ترجمه شده و موضوع همان‌گونه که در متن اصلی بوده، معرفی و تبلیغ شود.

- راه دومی که برخی در ترجمه‌ها برمی‌گزینند این است که با استناد به تعارض آن واژه با فرهنگ بومی، واژه مورد نظر را کاملاً حذف می‌نمایند.

- راه دیگر آن است که در عین حذف واژه مورد نظر، به سلیقه مترجم واژه دیگری جایگزین آن می‌شود، مثلاً به جای کلیسا می‌نویسند مسجد، یا به جای کافه می‌گویند قهوه‌خانه یا آب‌میوه‌فروشی.

- و بالاخره روش چهارم آن است که در عین حفظ امانت و ترجمه عین تعبیر، با بحث علمی و دقیق و در نظر گرفتن وجه تمایز مبانی و تبعات فرهنگی موضوع مورد نظر در دو فرهنگ مبدأ و مقصد موضوع مورد مطالعه و بررسی قرار گیرند.

ج. موضوع دیگر، بی‌توجهی به خاستگاه و زمینه ظهور تئوری‌ها و نظریه‌ها در استفاده از آن‌هاست که در این زمینه نیز دقت در بهره‌گیری از آرا و نظریات دیگران ضرورت دارد. برای نمونه، وقتی که ایده «واحد همسایگی» کلرنس پری با چهار عنصر اصلی «مدرسه ابتدایی»، «پارک‌های کوچک و زمین بازی»، «واحد‌های تجاری کوچک» و «شبکه ارتباطی و ساختمان‌ها» پذیرفته می‌شود و مبنای برنامه‌ریزی و طراحی شهری در ایران قرار می‌گیرد، آنگاه ساختمان‌های مذهبی (مثل مسجد و حسینیه و تکیه)، کاربری‌های بومی (مثل حمام و خانقاه و زورخانه) و حتی کاربری‌های جدید (مثل کلینیک و مکان ورزشی) در این واحدهای همسایگی موضوعی تحمیلی خواهند بود که مکانی برای آن‌ها از سوی طرح و برنامه (یا طراح و برنامه‌ریز) تعیین نشده است؛ و چون جامعه نیازمند آن‌هاست و گاهی نیز برای تجهیز مراکز محلات به این عملکردها از سوی مقامات دولتی بخشنامه صادر می‌شود، معمولاً در مکان‌ها و زمین‌های با ابعاد نامناسب و بدون ارتباط منطقی با سایر فعالیت‌ها بنا خواهند شد. این همان مشکلی است که بیشتر گسترش‌های متأخر شهری و طرح‌های آماده‌سازی زمین و شهرهای جدید با آن مواجه‌اند.

سخن در این است که هر نظریه و علمی حاصل سؤالاتی است که این سؤالات متأثر از جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط محیطی جامعه مبدع هستند و به همین دلیل به سادگی و بدون تغییر نمی‌توانند در جوامع دیگر، به‌ویژه که

خصوصیات جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط محیطی جامعه مقلد با جامعه مبدع متفاوت و گاهی در تقابل باشند، مورد استفاده و تقلید قرار گیرند.

د. موضوع دیگری که تبدیل ترجمه به «ترجمه و تألیف» یا حداقل ارائه توضیح و حاشیه‌نویسی و پاورقی‌ها را در بهره‌گیری از آثار دیگران ضروری می‌نماید، لزوم تکمیل و تصحیح آرا و نظریه‌ها و تعاریفی است که بلاشکال نیستند. برای نمونه، از نظر برخی نویسندگان غربی شقوق مختلف طراحی شهری عبارت‌اند از: «ریخت‌شناسی، ادراکی، اجتماعی، بصری، عملکردی و زمان» (کرمونا ۱۳۸۸، شش) که همه اینها، به هر حال کم و بیش، وابسته به و متأثر از جهان‌بینی و فرهنگ جامعه هستند و به همین دلیل است که تقلید و تکرار الگوهای بیگانه برای جامعه‌ای با تفکر و فرهنگ و شیوه زیست متفاوت مصیبت‌بار خواهد بود. مضافاً اینکه این شقوق از یک جنس نیستند؛ مثلاً برخی از آن‌ها (مثل موضوعات بصری و ادراکی) به دنبال هم می‌آیند و یکی از آن‌ها (مشاهده یا فعالیت بصری) بر دیگری (ادراک یا فعالیت ذهنی) تقدم زمانی دارد. ابتدا مشاهده رخ می‌دهد و سپس ادراک حاصل می‌شود یا ادراک بصری و ریخت‌شناسی مربوط به ناظر هستند و تحت یک مقوله می‌گنجند.

شاید ذکر مثال بزرگ‌نمایی‌شده‌ای موضوع را روشن‌تر کند: در خبر است که مستشرق یا جهانگردی از دیار فرنگ می‌گوید: ایرانیان، عجیب مردمانی هستند، وقتی به هم می‌رسند از یکدیگر می‌پرسند: «آیا بینی شما فربه است؟» که منظورش احوال‌پرسی ایرانیان بوده که می‌گفتند: «دماغتون چاقه؟» بنابراین، در ترجمه‌ها آگاهی به فرهنگ و ویژگی‌ها و معانی لغات در دو زبان و همچنین آگاهی با آداب و رسوم و ویژگی‌های فضاها و اماکن هر جامعه و موارد استفاده آن‌ها ضرورت دارد. علاوه بر آن، توضیح و تفسیر و تکمیل نوشته‌هایی که به آداب و سنن و فرهنگ ایرانی در تضاد و تقابل بوده و یا ناکارا و ناقص هستند، ضرورت دارد.

ه گاهی نیز به استناد احساس تعهد یا تحت عنوان بومی‌سازی، از معادل‌هایی برای واژه‌ها استفاده می‌شود که علی‌رغم آنکه ظاهراً قلمرو عمومی واحدی (مثلاً مذهبی) دارند، در جامعه خود جایگاه‌های متفاوتی دارند؛ مثل اینکه در مقوله مذهبی «مسجد» جایگزین «کلیسا» می‌شود. گاهی نیز در ترجمه‌ها و معرفی ایده‌ها و آرای دیگران در زمینه برنامه‌ریزی و طراحی شهری (که قرار است به راهنما منجر شود) از معادل مسجد برای کلیسا (به استناد اینکه هر دو معبد هستند) استفاده می‌نمایند که رویه ناصوابی است؛ چراکه اگرچه این دو مکان هر دو معبد هستند، از بسیاری جهات مثل «زمان مراجعه مردم»، «عملکردهای همجوار آن‌ها»، «جایگاهشان نزد مردم»، «ویژگی‌های آداب درونشان»، «معماری آن‌ها»، «اجزا و عناصر و فضاهای شکل‌دهنده‌شان» و بسیاری از موضوعات دیگر مربوط به هر کدام کاملاً با یکدیگر متفاوت هستند.

و. زمینه دیگری که نه تنها توجه مترجمان که توجه جدی مدرسان و طراحان و برنامه‌ریزان و مدیران و دانشجویان را طلب می‌کند، رواج برخی آرا و نظریه‌ها و الگوها و ایده‌هایی است که به صورت مد‌درمی‌آیند و عموماً بدون توجه به مبانی فکری و فرهنگی و شرایط محیطی ترویج می‌شوند. از جمله اینها پیاده‌مداری، استفاده از دوچرخه، توسعه فضای سبز عمومی، خیابان‌گردی، پرسه زدن، احداث سبزه‌راه، تعامل اجتماعی و مانند اینهاست که در این موارد (و به‌طور نمونه) نکاتی قابل ذکر هستند:

- اگر پیاده‌مداری فقط تبلیغ شود و حتی پیاده‌راه‌هایی احداث شوند، اما فاصله مکان‌های کار و مسکن مردم کماکان دور و دورتر شود، اگر نیازها و خدمات اهل شهر در محل و محله زندگی‌شان قابل تأمین نباشد، اگر مکان‌های پارکینگ مناسب در جوار پیاده‌راه‌ها احداث نشوند، اگر کف‌سازی‌ها مناسب نباشند، اگر کاربری‌های مستقر در طول پیاده‌راه مکمل یکدیگر نباشند، اگر محیط پیاده‌راه زیبا و تمیز و امن و آراسته نباشد، اگر آلودگی محیط و به‌ویژه آلودگی هوا امکان پیاده‌روی را از مردم سلب کند، اگر پیاده‌ها در برابر شرایط نامساعد اقلیمی و جوی محافظت نشوند، اگر مسیر مورد نظر قابلیت پیاده‌راه شدن را نداشته باشد و اگر بسیاری از ویژگی‌ها و شرایط لازم مهیا نباشد، احداث پیاده‌راه کاری عبث و بیهوده خواهد بود.

- ایده رایج و وارداتی دیگر مطرح کردن خیابان به‌عنوان اصلی‌ترین فضای عمومی و مکان تعاملات و زندگی اجتماعی و جایی برای پرسه زدن و گذران اوقات فراغت و مکان قرارها و ملاقات‌هاست. توجه

کنیم که اینها ویژگی‌هایی است که برای خیابان‌های شهرهای مغرب‌زمین مطرح شده‌اند. بدون ورود در تناسب یا عدم تناسب این موضوع با زندگی و فرهنگ ایرانی یا وجود تمایزات نسخه‌های ایرانی و بیگانه این موضوعات (در این مجال) فقط به این نکته اشاره می‌شود که در طول تاریخ تمدن ایرانی بسیاری از فعالیت‌های فوق‌الاشاره در مکان‌های دیگری انجام می‌شده است که عموماً سابقه‌ای در غرب ندارند. حال اگر به مرور، عملکردهای خانه و حیاط و مسجد و میادین (به‌عنوان مکان برپایی آیین‌ها)، زورخانه‌ها (به معنای مکانی برای تفریح و سرگرمی) و بازار (مجموعه مکان‌های کار و تجارت و حتی گشت‌وگذار) خلاصه همه مکان‌ها و فضاهای جمع شدن آشنایان را از آن‌ها بگیریم و ایفای همه نقش‌ها را (تا حد زیادی) به خیابان محول کنیم، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ و تبعات آن بر فرهنگ و شیوه زیست ایرانی چه خواهد بود؟

و ...

۳. دسته‌بندی تعابیر (از نظر بومی یا وارداتی بودن)

در هر دوره‌ای بنا به تعاملات و ارتباطاتی که جوامع مختلف با سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها دارند، تعابیر و اصطلاحاتی را نیز به کار می‌برند که از میان آن‌ها برخی از این تعابیر و اصطلاحات از سایر فرهنگ‌ها اخذ شده‌اند و بعضی نیز بنا به مقتضیات زمان (نسبت به گذشته) رواج و اهمیت بیشتری یافته‌اند. موضوع مهم در مورد برخی از این واژه‌ها چند پهلو بودن و ابهام آن‌هاست که تبیین ویژگی‌ها و معانی و تفاسیر آن‌ها را در هر رشته خاص ضروری می‌نماید. در این مجال، به تبیین مراتب و طبقات معانی واژه‌ها در مقایسه و در تعامل با سایر فرهنگ‌ها اشاره می‌شود. با عنایت به تاریخ فکری تمدن و فرهنگ ایرانی، تعابیر و مفاهیم و عناوین موضوعات مرتبط با شهر و شهرسازی، در مقایسه با فرهنگ‌های بیگانه در ۶ دسته اصلی قابل طبقه‌بندی هستند (نمودار ۱):



نمودار ۱: طبقات واژه‌ها و تعابیر رایج در شهرسازی و ارتباطشان با جهان‌بینی و فرهنگ خودی

• دسته اول، اصول و ارزش‌هایی ملی و فرهنگی هستند که ریشه در جهان‌بینی و آرا و باورهای مردم داشته و بدون تأثیر پذیرفتن از تفکرات بیگانه همچنان در جامعه حضور دارند و تحولات و تغییرات آن‌ها ناشی از پویایی و تکامل و تصفیه درونی فرهنگ جامعه است. این دسته از اصول و ارزش‌ها ابداع یا تفسیر شده توسط تمدن و فرهنگ ایرانی می‌باشند که در تبیین بسیاری از مفاهیم فرهنگی و فلسفی و آداب و سنن این ملت مشهود هستند. آیین‌های خاص فرهنگ ایرانی و از جمله آداب و آیین‌ها و تعابیر شیعی در این دسته قرار می‌گیرند.

• گروه دوم نیز از موضوعاتی فرهنگی و ملی هستند که در اثر تماس (یا نفوذ افکار) بیگانه دگرگون و مسخ شده‌اند. به عبارت دیگر، تعاریف این مفاهیم در اثر رسوخ تفکرات بیگانه دگرگون شده‌اند. این تعابیر در فرهنگ و تمدن ایرانی سابقه داشته و متفکران و علمای ایرانی در مورد آن‌ها سخن گفته و اظهار نظر نموده‌اند. اما غفلت از آن مطالعات، سبب شده تا مباحث مطرح در مورد این تعابیر، مباحثی جدید که رهاورد غرب هستند تلقی شوند. عدالت، آزادی، زیبایی، عشق، صلح، انسان‌گرایی، عقل و امثالهم نمونه‌هایی هستند که در متون ایرانی معانی و تفاسیر متنوع و مبسوطی از آن‌ها ارائه شده است. این تعابیر عموماً با تفاسیری جدید و متفاوت با فرهنگ ایرانی و به‌عنوان موضوعاتی نو که ابداعی غرب هستند، مدت‌هاست که تبلیغ می‌شوند. این تعابیر که در تفکر اسلامی و آرای حکمای مسلمان و ایرانی معنای خاص خود را دارند، با معانی متخذ از مغرب زمین که در حال رواج و استناد هستند، متفاوت و گاهی در تضادند (نصر ۱۳۷۲؛ اعوانی و دیگران ۱۳۷۳؛ نقی‌زاده ۱۳۸۹، ۱۳۸۸؛ محتشم امیری ۱۳۹۲؛ نقی‌زاده و محتشم امیری ۱۳۹۱).

• نوع سوم، تعابیر و مفاهیمی هستند که به‌طور اصولی مورد توجه فرهنگ بومی نیز بوده و ریشه در جهان‌بینی توحیدی اسلام و فرهنگ اصیل ایرانی داشته‌اند، اما با معادل‌گزینی‌های بیگانه برای آن‌ها، معنا و مفهوم جدیدی برای آن‌ها به ذهن متبادر می‌شود که با معنای اولیه آن‌ها متفاوت و حتی متضاد است. این دسته مفاهیم که به گروه دوم فوق‌الاشاره بسیار نزدیک هستند، توسط ترجمه‌های ناصواب (البته غالباً به دلیل اینکه واژه‌ها در هر زبان و فرهنگ علاوه بر معنای ظاهری، بار اخلاقی و معنوی خاص خویش را دارند، چاره‌ای از انجام آن‌ها هم نیست)، به مرور از معنای اصلی خود دور افتاده‌اند، مثل واژه‌های سنت، هنر و نوگرایی که نمونه‌های این گروه هستند (ر.ک: گنون ۱۳۶۱؛ نقی‌زاده ۱۳۹۰ الف، ۱۳۸۹).

• طبقه چهارم، واژگان و مفاهیم ظاهراً جدید مأخوذ از بیگانه هستند که نه با عناوین موجود ولی به اشکال و عناوین دیگر در فرهنگ ملی حضور داشته و توصیه شده‌اند و علی‌الظاهر معادل لفظی برای آن‌ها در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی وجود ندارد. نمونه بارز این گروه را در تعابیری همچون توسعه پایدار، انسان‌گرایی، مشارکت مردم، شهر سالم، محیط زیست و امثالهم می‌توان یافت که اگرچه مفاهیمی ظاهراً مطرح شده در مغرب‌زمین و ترجمه شده به فارسی هستند اما وجوهی بسیار غنی‌تر، متعادل‌تر، پیشرفته‌تر و کامل‌تر از آنچه را در غرب رایج است، می‌توان از تعالیم اسلامی و آرای حکمای مسلمان برای آن‌ها استخراج کرد (ر.ک: جعفری ۱۳۷۶، ج. ۲۵؛ محقق داماد ۱۳۸۰؛ نقی‌زاده و محتشم امیری ۱۳۹۱؛ نقی‌زاده ۱۳۹۰ ب). درحالی‌که متأسفانه عموماً از این منابع غفلت شده و این موضوعات به‌عنوان موضوعات جدید و رهاورد مغرب زمین مطرح و تبلیغ می‌شوند. غافل از آنکه کمترین اثرات منفی چنین روشی از بین رفتن خودباوری و مهجور ماندن منابع فرهنگ ملی و رشد از خودبیگانگی و احساس حقارت در برابر غرب است.

• دسته پنجم موضوعاتی هستند که اساساً از بیگانه اخذ شده‌اند، ثمره دانش بشری بوده و فی‌نفسه خنثی هستند. این دسته از تعابیر و واژه‌ها اکثراً مشتمل بر فرآورده‌های صنعتی هستند که نحوه استفاده از آن‌ها، بسته به فرهنگ و جهان‌بینی جامعه می‌تواند اثرات متفاوت و حتی متضادی را در روند حیات و شیوه زیست جامعه به وجود آورد.

• گروه ششم موضوعات و مفاهیمی هستند که از بیگانه اخذ شده‌اند و موضوعاتی صرفاً علمی و تجربی و فی‌نفسه خنثی (همچون دسته پنجم) نیستند. موضوعات مطرح در این گروه برآمده و منبعث از تفکر و جهان‌بینی و فرهنگ و شرایط محیطی و اقلیمی و تاریخی جامعه مبدع بوده و واجد و متکی بر مبانی نظری خاص خود می‌باشند. از جمله اینها می‌توان از انواع «طرح‌ها و برنامه‌های شهری»، «مکاتب مختلف هنری و معماری»، «اشکال و نشانه‌های قراردادی»، «دیدگاه‌های مربوط به روابط انسان و محیط و فرآورده‌های انسانی»، «شیوه‌های زیست و مصرف» و «روابط انسانی» نام برد.

با عنایت به موضوعاتی که مورد اشاره قرار گرفتند، آگاهی دست‌اندرکاران هر رشته علمی به معنی و مصداق و مفهوم و ریشه‌های داخلی و بیگانه (حداقل) کلیدواژه‌های رشته ضرورت حتمی است.

۴. دسته‌بندی تعابیر در مقایسه مفاهیم آن‌ها در فرهنگ‌های متفاوت

با عنایت به آنچه ذکر شد، در این فرصت به طبقه‌بندی دیگری از مفاهیم و موضوعات اشاره می‌شود که با استناد به آن می‌توان با دید وسیع‌تری در تعامل با فرهنگ‌ها و نظریه‌های وارداتی وارد شد. در بحث مقایسه مصادیق «مفاهیم» و «موضوعات» (به‌عنوان دانش و علم) در فرهنگ‌های مختلف، توجه به نکته‌ای اساسی ضرورت دارد و آن نکته عبارت است از توجه به رابطه معانی «مفهوم» یا «موضوع» مورد نظر در دو فرهنگ و جامعه متفاوت؛ یعنی جامعه‌ای که مفهوم یا موضوع از آن اخذ می‌شود و جامعه‌ای که مفهوم یا موضوع را اخذ می‌کند و به کار می‌برد. برای مثال، تعبیر «فضای شهری» در متنی غربی ملاحظه می‌شود که قاعدتاً در غرب نیز مصادیق خاص خود را دارد، این تعبیر به زبان فارسی ترجمه می‌شود که در میان ایرانیان نیز مصادیقی برای آن متصور است. حال اگر مصادیق ایرانی آن نادیده گرفته شوند و علاوه بر تمرکز بر تعریف بیگانه آن، مصادیق بیگانه آن نیز به‌عنوان مصادیق فضای شهری مطرح باشند، آنگاه علاوه بر جایگزینی فضاهای شهری ایرانی با فضاهای شهری بیگانه، به مرور رفتارها و تعاملات متناسب با آن فضاها نیز رواج یافته و به تدریج جامعه دچار استحاله فرهنگی و سپس دگرگونی فکری نیز خواهد شد. با عنایت به این موضوع توجه کنیم که در ارائه تعاریف بسیاری از موضوعات و عناصر و اصطلاحات، اگر این تعاریف متکی بر آرای دیگران و بر ترجمه‌ها باشد، حالات مختلفی ممکن‌الافتاح است که اهم آن‌ها به شرح زیر هستند (نمودار ۲):



نمودار ۲: مقایسه اجمالی طبقات مفاهیم و موضوعات در جوامع مختلف (مثلاً دنیای اسلام و غرب)

• حالت اول آن است که درک مردمان مقصد از موضوع و عنصر و اصطلاح مورد نظر با درک مردمان مبدأ همسان باشد. مضافاً اینکه علاوه بر فهم و درک یکسان، موضوع و عنصر و اصطلاح مورد نظر از منظر هر دو گروه (مبدأ و مقصد) دارای ارزش و جایگاه و کالبد کاملاً همسان (یا حداقل مشابهی) هستند. مثل اینکه وقتی گفته می‌شود: «اتاق خواب»، «آشپزخانه»، «مغازه» و امثال اینها، در این حالت (با اندکی تسامح) می‌توان این تعابیر را در هر دو

جامعه همسان فرض نمود و از ترجمه تحت‌اللفظی واژه‌ها استفاده کرد؛ یعنی مثلاً می‌توان در ترجمه متون انگلیسی، bedroom را اتاق خواب، kitchen را آشپزخانه و shop را مغازه ترجمه کرد و مانند اینها.

• حالت دوم وقتی است که درک مردمان مکان مقصد با درک مردمان مبدأ از موضوع و عنصر مورد نظر همسان باشد. اما هر گروه (مبدأ و مقصد) بنا به فرهنگ و ارزش‌های رایج در میان خویش، برای موضوع و عنصر مورد نظر ارزش‌های متفاوتی قائل‌اند. مثل اینکه دو جامعه درک همسانی از مکانی به نام «بار» دارند، اما یکی آن را ضروری زندگی خویش دانسته و دیگری حضور آن در شهر خویش را نفی می‌کند.

• در حالت سوم، اگرچه درک و ارزش‌گذاری مردمان مقصد با درک و ارزش‌گذاری مردمان مبدأ از موضوع و عنصر مورد نظر متفاوت است، اما هر دو گروه نام واحدی را برای موضوع مورد نظر انتخاب می‌کنند. مثل «تعامل اجتماعی»، «آیین»، «جشن» یا امثال اینها که علی‌رغم امکان ترجمه تحت‌اللفظی آن‌ها، به نسبت فرهنگ مردمان (مثلاً مسلمانان یا مسیحیان) معانی و مصادیق متفاوتی را می‌توان برای آن‌ها (در دو جامعه متفاوت) ارائه نمود. مثل اینکه در بسیاری از جوامع «جشن» سال نو رایج است، اما جلوه‌ها و فعالیت‌ها و آداب متفاوتی در میان مردمان هر جامعه‌ای رایج است که علی‌رغم نام واحد گاهی تا مرز تضاد پیش می‌روند.

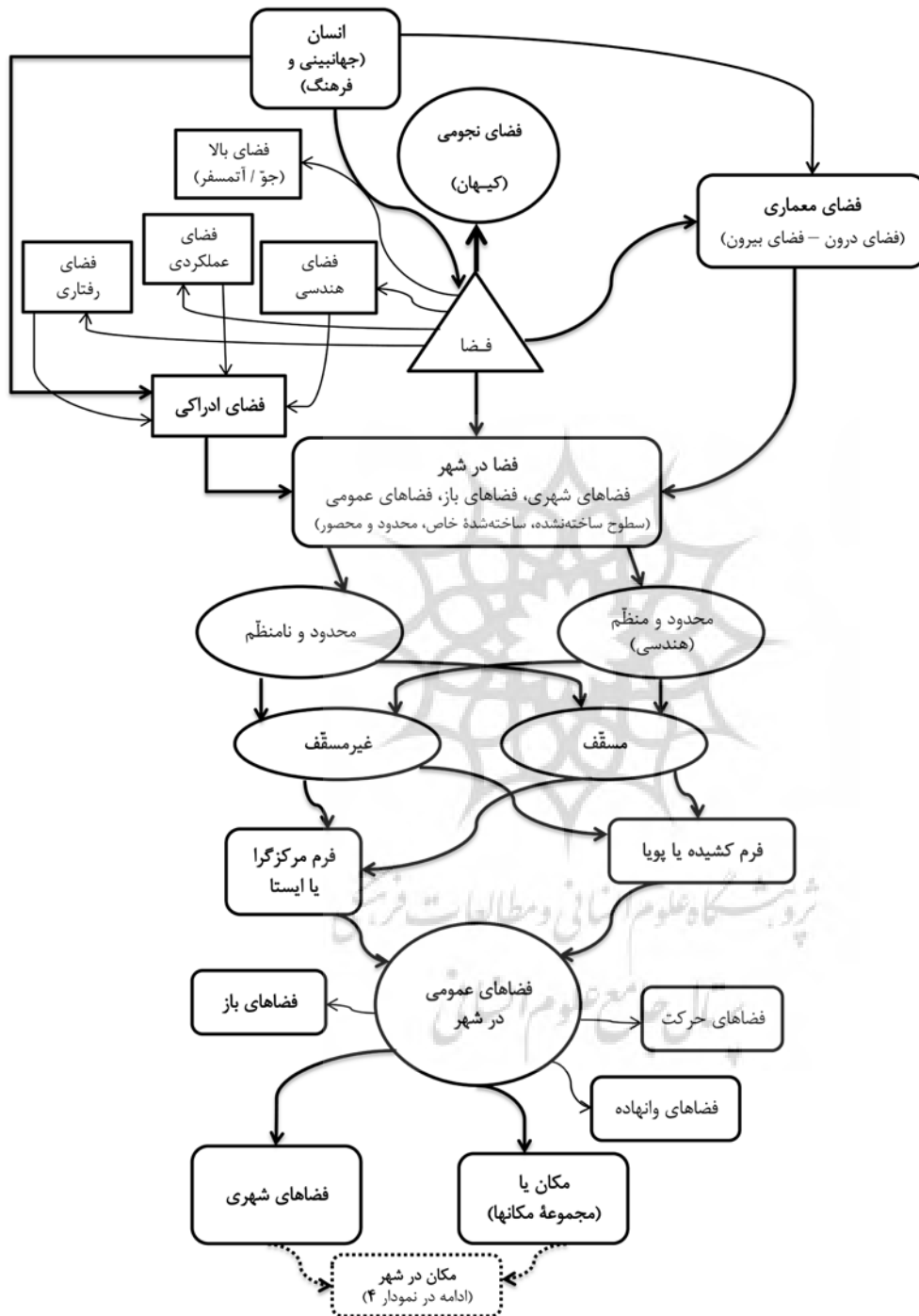
• در حالت چهارم، هر کدام از دو گروه مبدأ و مقصد علی‌رغم استعمال واژه‌های متفاوت برای یک عملکرد خاص، مقصود مشابهی را از فعالیت‌های متفاوت درون مکان مراد می‌کنند. مثل اینکه دو عنصر مسجد و کلیسا برای «عبادت» (یا یک فعالیت مشابه و هم‌نام) دو جامعه مسلمان و مسیحی مصداق دارند و مورد مراجعه قرار می‌گیرند؛ اما نحوه برپایی آیین‌ها و عبادت‌ها در این دو مکان با یکدیگر متفاوت هستند؛ همچنان که معماری و کالبد این دو عنصر (که هر دو عبادتگاه نامیده می‌شوند) از یکدیگر متمایزند.

نتیجه اجمالی: با عنایت به موضوعات فوق‌الاشاره (و حالت‌های دیگری که می‌توان به آن‌ها افزود) در ترجمه آن‌ها و آثار دیگران، باید دقیقاً موضوعات و تشابهات و تمایزات آن‌ها را در جوامع مبدأ و مقصد کاملاً شناخت و آن را برای مخاطب نیز توضیح داد و ابعاد مختلف آن را روشن نمود تا از بروز سوء تفاهم‌ها و تبعات نامطلوب و ناخواسته فرهنگی و رفتاری پیشگیری شود.

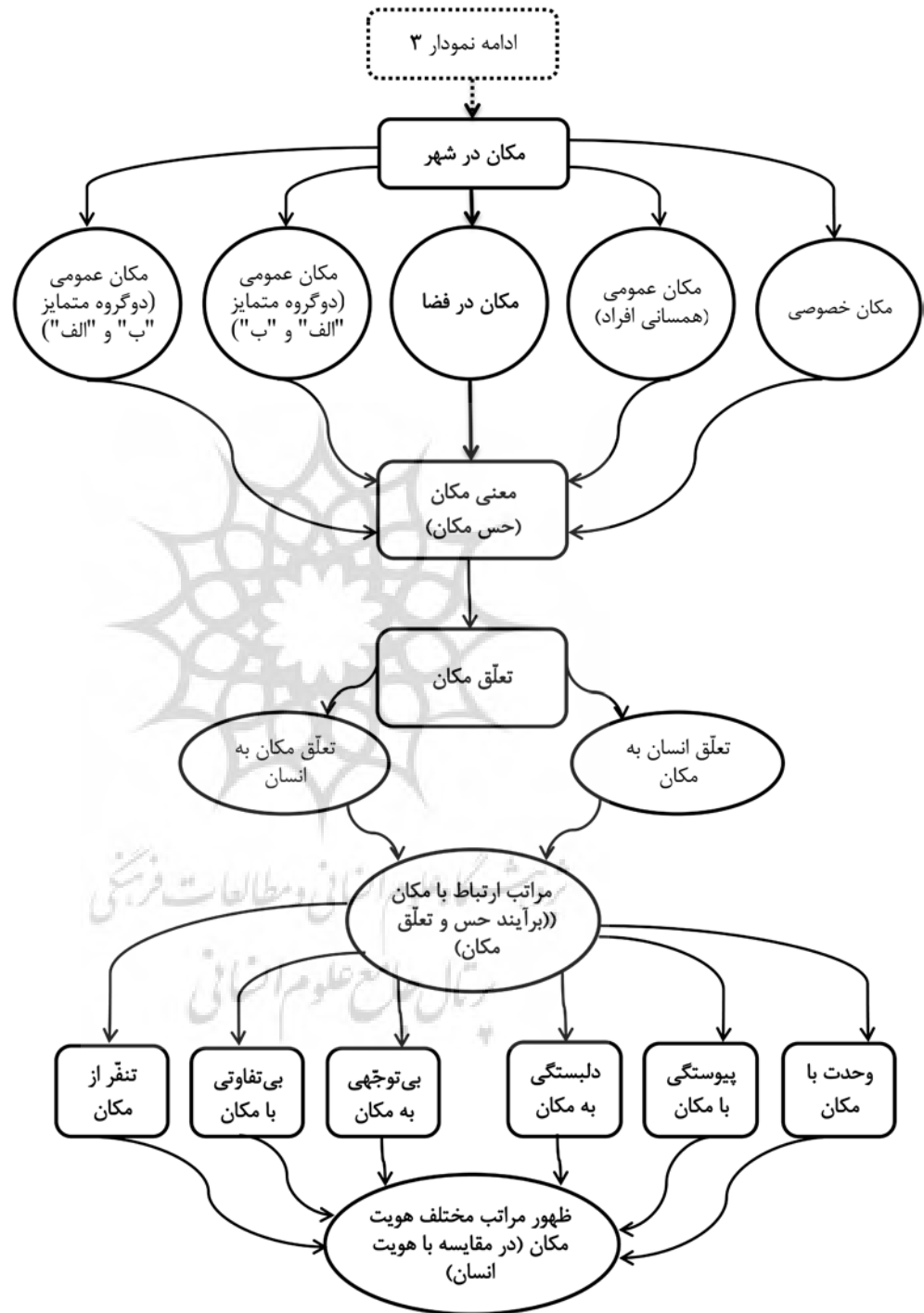
۵. نمونه‌ها (فضا و مکان)

با عنایت به آنچه درباره طبقات مفاهیم و موضوعات در جوامع و فرهنگ‌های مختلف ذکر شد، بسیاری از تعابیر یا نظریه‌ها را می‌توان فهرست کرد که اگرچه برخی از آن‌ها چنان به صورت کثیر استعمال می‌شوند که کسی درباره چونی و چرایی آن‌ها و همچنین تعریف و نسبتشان با فرهنگ ایرانی سؤالی نمی‌کند که حتی گاهی فکر سؤال کردن نیز بیهوده می‌نماید. اهم این تعابیر عبارت‌اند از: زیبایی، فضای شهری، مفهوم مکان، مفهوم زمان، تعامل اجتماعی، مشارکت و بسیاری از تعابیر رایج در قلمرو شهر و شهرسازی و شیوه زیست.

در این مجال، بدون ورود در تعریف و توضیح این موضوعات که هر کدام فرصت و مکان مستقل و گسترده‌ای طلب می‌کنند، فقط به سلسله‌مراتب و ارتباط «فضا» و «مکان» اشاره شده و سعی در تدقیق تعریف هر کدام و همچنین مراتب و انواع آن‌ها بوده است. با عنایت به آنچه گذشت، در این فرصت توضیحی اجمالی درباره فضا و مکان ارائه خواهد شد که در نمودارهای (۳) و (۴) نشان داده شده است.



نمودار ۳: ارتباطات اجمالی طبقات و مراتب فضا و مکان
(ادامه نمودار در نمودار ۴)



نمودار ۴: ارتباطات اجمالی طبقات و مراتب فضا و مکان

۱.۵. فضا

با عنایت به توضیح و بررسی نسبتاً مفصل موضوعات مربوط به فضا و فضای شهری در مطالعات منتشرشده و در دسترس قبلی برای احتراز از تکرار موضوعات و مطالب، ضمن ارجاع خواننده خواستار توضیحات بیشتر به آن مراجع (نقی زاده ۱۳۹۲ ب) در این مجال به اختصار اصلی‌ترین عناوین مرتبط با فضا اشاره می‌شود. واژه فضا که در هریک از علوم (نجوم، هواشناسی، فیزیک، روان‌شناسی، ریاضیات، معماری و شهرسازی) کاربرد خاص خود را دارد، در شهر معمولاً محصور با «آثار» و «اراده انسانی» است که فعالیت‌هایی نیز در آن جریان است. اگرچه ممکن است فضا به محدوده‌های ساخته‌شده یا ساخته‌نشده اطلاق شود، اصلی‌ترین ویژگی آن تعریف و مشخص شدنش با حدودی می‌باشد. این تحدید گاهی منظم و هندسی است و گاهی نامنظم، گاهی غیرمسقف است و زمانی نیز مسقف خواهد بود، از نظر شکلی گاهی کشیده و پویاست و زمانی نیز ایستا و شبیه فرم‌های مرکزگرا می‌باشد، گاهی ممکن است صرفاً فضای باز و ساخته‌نشده باشد و گاهی نیز به‌عنوان فضای شهری ایفای نقش نماید.

به هر حال، نمودار (۳) به وضوح تعاریف مختلف فضا و ویژگی سلسله‌مراتب آن تا تبدیل شدنش به فضای شهری و سپس رابطه آن با مکان را نشان می‌دهد که همه موضوعات در مرجع فوق‌الذکر به تفصیل بیان شده‌اند و در اینجا به‌منظور امکان مقایسه فضا و مکان جدول (۱) آورده شده است.

جدول ۱: مقایسه اجمالی ویژگی‌های فضا و مکان (نقی‌زاده ۱۳۹۲ ب)

اصلی‌ترین ویژگی‌های مکان	اصلی‌ترین ویژگی‌های فضا
مکان، تجلی عینی آن دسته از ارزش‌ها و فعالیت‌های انسانی است که انسان خود در تعریف ویژگی‌های آن‌ها دخیل باشد.	تجلی ذهنی اتفاقات عام یا انتظار القائات در یک مقطع زمانی، مثل صفات امنیتی، ترسناکی، شادی‌بخشی یا اضطراب است.
تحولات مکان به تغییر نگرش انسان به ارزش‌ها بستگی دارد.	تحولات فضا به تغییر عملکردهای گروه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی مربوط است.
مکان تعلقاتی را در انسان پدید می‌آورد.	فضا موضوعاتی را به ذهن متبادر می‌کند.
مکان جزئی تعریف‌شده و محدود از فضا است.	فضا دربردارنده مکان‌های متنوعی، هم برای یک نفر و هم برای افراد مختلف یک جماعت است.
روابط عناصر و اجزا و ویژگی‌های مکان، محدودتر و عینی‌ترند.	روابط عناصر و اجزا و ویژگی‌های فضا، عام‌تر، گسترده‌تر و ذهنی‌ترند.
حد (یا حدود) یک مکان مشخص است؛ هم‌پوشانی مکان‌ها (از نظر یک نفر) حداقل است و حدود مکان‌ها تعریف‌شده هستند.	حدود یک فضا هاله‌ای است که به مرور به حدود فضاهای مجاور متصل می‌شود و در نتیجه، فضاهای مجاور هم‌پوشانی‌هایی با یکدیگر دارند.
عوامل انسانی در شکل‌گیری یک مکان نقش اصلی را ایفا می‌کنند و در نتیجه، مکان (به دلیل تعلق آن به فرد یا گروهی خاص)، ماهیتی عینی و مشخص دارد.	در شکل‌گیری فضا، عوامل ذهنی مثل عوامل عملی، طبیعی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و یا حالات روحی و ادراکی انسان (مثل غفلت و آگاهی و آرامش) نقش مؤثری ایفا می‌کنند.
دگرگونی و تحول در ارزش‌های فرهنگی و رفتاری جامعه ابتدا مکان و سپس فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد.	تحولات فضایی عموماً ناشی از تحولات فرهنگی و رفتاری و ارزشی جامعه است که به تحولات مفهوم مکان منجر شده‌اند.
ساختار مکان، عینی، کالبدی و محسوس است.	ساختار فضا، ذهنی، معنایی (معنوی) و ادراکی است.
عوامل هویتی مکان عمدتاً عوامل کالبدی و محسوس هستند.	عوامل هویتی فضا عموماً عوامل ذهنی و معنایی هستند.
تاریخ مکان، خاص و برای عموم به‌صورت جزئی مطرح است.	فضا واجد تاریخی است که به‌صورت کلی شناخته می‌شود.
مکان، عالمی عینی است که از جهت معنوی به مقدس و نامقدس (یا خنثی) تقسیم می‌شود.	فضا عالمی ذهنی است که از جهت معنوی به روحانی، شیطانی یا خنثی قابل تقسیم‌بندی است.
از نظر ادراک و تصور، سطح یا مجموعه‌ای از سطوح (عموماً مسطح و امکاناً منحنی) مبین مکان هستند.	از نظر هندسی (یا تصور و ادراک ذهنی)، فضا منحنی است که هاله حریم پیرامونی آن به مرور رقیق می‌شود تا به فضای بعدی برسد.
مکان عموماً جایی است که اشیاء و پدیده‌ها در آن جای گرفته و مستقر شده‌اند.	فضا محدوده حرکت خیال است و زمینه‌ساز حضور یا عدم اشیا، پدیده‌ها و مفاهیم در آن می‌شود.
مکان عمدتاً خاص معماری و شهر است.	فضا در بسیاری از علوم و هنرها همچون نجوم و فیزیک و شعر و قصه و معماری کاربرد دارد.

۲.۵. مکان

پس از معرفی اجمالی فضاهای ممکن‌الوجود در شهر و سلسله مراتب اجمالی آن‌ها (نمودار ۴)، می‌توان به موضوع مکان پرداخت که نسبت به فضا مقوله‌ای عینی‌تر و محدودتر و مشخص‌شده‌تر است. با عنایت به اینکه مطالعه حاضر در قلمرو شهر انجام می‌شود، ویژگی عمومیت مکان (و تا حدودی فعالیت جاری در آن) اصلی‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب و توضیح آن هستند.

۱.۲.۵. مراتب مکان

اولین دسته از مکان‌ها، مکان‌های کاملاً خصوصی هستند که کاملاً محدود و محصور و قابل کنترل (برای مراجعه و حضور) و متعلق به افراد خاص است مثل خانه‌ها و آپارتمان‌ها. دومین گروه مکان، شامل مکان‌های عمومی برای مراجعه افراد خاص می‌باشد. خصوصیت افراد حاضر در (یا استفاده‌کننده از) آن‌ها را یا موضوعات فکری تعیین می‌کند یا شرایط قراردادی، مثل معابد (که دین و باورها تعیین‌کننده نوع مراجعین هستند)، کلوب‌ها و باشگاه‌ها (که عضویت افراد امکان حضورشان در مکان را می‌دهد) سینماها و تئاترها (که تهیه مجوز حضور در آن‌ها به نحو مقتضی، مثلاً بلیط یا کارت دعوت تأمین می‌شود) و مانند اینها. نوع دیگر، مکان‌هایی که در فضاهای عمومی و شهری به انحاء مختلف تعریف می‌شوند مثل حضور افراد یا فعالیت خاص در سطح یا محدوده مشخصی از فضا. مرتبه دیگر مکان‌هایی هستند که به تناسب کادر و مراجعه‌کنندگانشان تعریف می‌شوند که این مکان‌ها به نوبه خود در دو گروه قرار می‌گیرند: گروه اول شامل مکان‌هایی که تعداد کارکنان مستقر در آن‌ها نسبت به مراجعه‌کنندگانشان اندک است مثل برخی ادارات، رستوران‌ها، مکان‌های خدماتی تفریحی؛ و گروه دوم مکان‌هایی هستند که نسبت مراجعین آن‌ها به کادر شاغل در آن‌ها اندک است مثل کارخانجات، مجالس و ادارات تخصصی.

۲.۲.۵. تعلق مکان

اما موضوع تعلق مکان در دو مقوله «تعلق انسان به مکان» و «تعلق مکان به انسان» قابل بررسی است که می‌توان آن‌ها را تحت عنوان مراتب ارتباط با مکان تعریف کرد و اهم آن‌ها عبارت‌اند از: وحدت با مکان، پیوستگی با مکان، دلپستگی به مکان، بی‌توجهی به مکان، بی‌تفاوتی با مکان و تنفر از مکان. در همین قلمرو است که موضوع «هویت مکان» و ارتباط آن با «هویت انسان» مطرح می‌شود که خود بحث مستقل و مستوفایی را طلب می‌کند (نقی‌زاه ۱۳۹۲ الف). در توضیح مطلب می‌توان گفت که حس تعلق به مکان چگونگی رابطه یا وابستگی انسان به مکان را توضیح می‌دهد. این رابطه رابطه‌ای دوطرفه است به این ترتیب که نمی‌توان فقط از تعلق انسان به مکان، یا فقط وجود دارند. یکی از اصلی‌ترین مصادیق تعلق انسان به مکان، تحت عنوان حس توطن مطرح است که انسان، به نوعی خویش را وابسته به مکانی می‌داند که در مقیاس‌های متفاوت موطن و خاستگاه یا مکان فعالیت و نشو و نما و کمال اوست. در کنار این حس، حس تعلق به موضوعاتی که به آن مکان بستگی دارند، مثل جمعی از انسان‌ها (جامعه، جماعت، ملت، هم‌شهری‌ها، هم‌کیش‌ها و امثالهم)، مثل تاریخ مکان (یا وقایعی که در مکان اتفاق افتاده‌اند)، مثل علت (یا علل) ایجاد مکان (از قبیل آیین‌هایی که ظهور مکان را سبب شده‌اند) و سایر موضوعات مرتبط، از مباحثی هستند که در تعریف و تقویت و ویژگی‌های حس توطن یا حس تعلق انسان به مکان ایفای نقش می‌کنند. در بررسی موضوع «تعلق مکان»، رویکرد دیگری که آن را تعیین میزان تعلق به مکان می‌نامیم نیز مطرح است. در این رویکرد، می‌توان از یک طیف سخن به میان آورد که یک سر طیف «بی‌توجهی» نسبت به مکان (یا حتی فرار از آن) است، و سر دیگر طیف «وابستگی» (یا تعلق) به مکان تا حد گذشتن از «جان» است که از آن به وحدت انسان و مکان تعبیر می‌کنیم. در بین این طیف، بی‌تفاوتی نسبت به مکان، علاقه یا «دلپستگی» به مکان، «تعلق» به مکان، «وابستگی» به مکان، «پیوستگی» به مکان (و نهایتاً «وحدت» با مکان) قرار دارند. هریک از این مراتب، جایگاه و ارزش ویژه‌ای داشته و نوع خاصی از رابطه و همبستگی و تعلق را بین انسان و مکان تعریف می‌کنند که پرداختن به آن‌ها مجال دیگری را طلب می‌کند.

در مقابل یا در تکمیل این حس، رابطه دیگری به نام «تعلق مکان به انسان» نیز مطرح است که در این نوع رابطه

نیز مقیاس‌های متفاوتی از مالکیت عادی (فردی) تا مالکیت‌های حقوقی و معنوی و جمعی مطرح‌اند. اما در توضیح رابطه‌ی تعلق انسان و مکان نسبت به یکدیگر، یکی از اصلی‌ترین موضوعاتی که این تعلق را به وجود می‌آورد، رابطه‌ی هویتی بین انسان و مکان است. بی‌گمان هر یک از احاد انسانی دارای هویتی است، یا هویتی را برای خویش قایل است. این هویت نیز به نوبه‌ی خود، هم مجموعه‌ی مراتب مختلف هویتی است و هم اینکه متشکل از مؤلفه‌های هویتی متعددی است (ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۸۶ الف؛ ۱۳۸۸ الف). هر مکان نیز هویتی دارد و هویت مکان نیز با مؤلفه‌هایی تعریف می‌شود. اینک به میزان تشابه و هم‌پوشانی مؤلفه‌های هویتی انسان با مؤلفه‌های هویت مکانی که او در آن قرار می‌گیرد، احساس هم‌هویتی یا احساس این‌همانی با مکان به انسان دست می‌دهد که این احساس نیز زمینه‌ساز ظهور احساس تعلق به مکان در انسان می‌شود.

طبیعی است که هر چقدر هم‌پوشانی مؤلفه‌های هویتی انسان و مکان بیشتر باشند، احساس تعلق به مکان نیز تقویت خواهد شد. برای نمونه، احساس هم‌هویتی یک ایرانی، یک ایرانی اصفهانی، یک ایرانی شیعه، یک ایرانی سنی، یک ایرانی ارمنی، یک ارمنی، یک غربی یا همه‌ی افرادی با ویژگی‌های یکی از این افراد ولی با تخصص‌های گوناگون (مثل معمار، شهرساز، طراح، مورخ، ریاضی‌دان، صنعتگر و امثالهم) با میدان نقش‌جهان (به‌عنوان یک مکان)، احساس‌های متفاوتی است و در نتیجه احساس تعلق هریک از آن‌ها با این میدان نیز احساس متفاوتی خواهد بود.

می‌گویند که هرکس به جایی بازمی‌گردد که به آن تعلق دارد و به تعبیر دیگر انسان میل دارد به جایی برود که به آن تعلق دارد؛ و اگر این «مکان» تعلق، یا جایگاهی که باید به آن بازگشت یا در آن حضور یافت، به اشتباه تصور شود یا انتخاب گردد، انسان احساس غربت و بی‌خانمانی و گمگشتگی خواهد کرد.

و گر هزار سال روی، باز ز من به عاقبت، به من آیی که منتها منم

و اگر بپذیریم که:

مرغ باغ ملکوتیم، نیم از عالم خاک دو سه روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم
و اگر باور داشته باشیم که *اَنَا لِلَّهِ وَ اَنَا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ* (بقره: ۱۵۶)، آنگاه نوع و شیوه و چگونگی احساس تعلقات به مکان و اصولاً تعریف مکان و مراتب آن، و نوع حضور در هر مرتبه‌ی آن و میل (یا تعلق) به این حضور در هر مرتبه متفاوت خواهد بود.

در باره‌ی رابطه‌ی تعلق انسان و مکان با یکدیگر و در توضیح اینکه هرکس طالب و خواستار مکانی است که به آن تعلق دارد و با آن هماهنگ و همخوان است و اینکه به سوی آن مکان روان است، می‌توان گفت که این اصولاً ویژگی همه‌ی پدیده‌ها و موضوعات است که به سمت مکان خویش در حرکت‌اند، آب در شیب حرکت کرده و میل به حضور در سطح مسطح دارد. اگر هوا را رها کنیم به شکل ظرفی در می‌آید که در آن است، پرنده به هوا می‌پرد، ماهی در آب شنا می‌کند، آهو به مرغزار می‌گراید و امثال اینها.

در این میانه، گرایش انسان به مکان خویش از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار است: اولین عامل پیچیدگی در رابطه‌ی انسان و مکانش، اختیار و اراده‌ی انسان در انتخاب مکان خویش (لا اقل برای مدتی) است. دومین عاملی که این پیچیدگی را تقویت می‌کند، ساحت‌های متعدد حیات انسان در سه قلمرو روح و نفس و ماده است که هریک از آن‌ها مکانی خاص را طلب نموده و انسان را به آن فرامی‌خواند. عامل بعدی که به تبع (یا به‌عنوان زمینه‌ساز) دو عامل فوق‌الذکر ظاهر می‌شود، جهانی‌بینی و اعتقادات انسان است که غایت حیات و جایگاه و مکان نهایی انسان را به او می‌نمایاند و به این ترتیب است که رابطه‌ی انسان با مکان (یا به عبارت بهتر رابطه‌ی تعلق انسان با مکان) با رابطه‌ی تعلق سایر موجودات با مکانشان تمایزات و تفاوت‌های اساسی دارد.

۶. روش‌های طبقه‌بندی مکان

مکان را (همچون بسیاری از موضوعات و مفاهیم دیگر) به تناسب زمینه‌ی مطالعه و عوامل و اجزا و عملکرد و ساختار آن به شیوه‌های مختلفی می‌توان طبقه‌بندی کرد. اهم این شیوه‌ها و عوامل مؤثر در طبقه‌بندی عبارت‌اند از: تقدس،

درجهٔ عمومیت، فعالیت‌های جاری در مکان، تناسب مکان با چگونگی و نوع پاسخ‌گویی به نیازهای انسان و میزان رسمیت یا خودمانی‌بودن. در سطور آتی به توضیح مختصر این شیوه‌ها اشاره می‌شود.

۱.۶. تقدس مکان

قبل از ورود به موضوع نقش تقدس مقدماً یادآور می‌شود که موضوعات مختلف مرتبط با معنا و مصادیق تقدس در قلمرو هنر و فضای شهری در مراجع دیگری به تفصیل مورد بحث قرار گرفته‌اند (نقی‌زاده ۱۳۹۲ ب؛ ۱۳۸۹)؛ لذاست که به‌منظور احتراز از تکرار مطالب، ضمن ارجاع مطالعهٔ این مراجع به این نکات اشاره می‌شود که اولاً تقدس بیانگر ارتباط با متافیزیک است؛ ثانیاً معنا و مصادیق متافیزیک در ادیان و جهان‌بینی‌های متفاوت مختلف‌اند و ثالثاً کسانی که به متافیزیک باور نداشته و از آن سخن می‌گویند، همهٔ انواع تقدس‌های مورد نظر همهٔ ادیان را هم‌طراز و هم‌ارزش تلقی می‌کنند و از همهٔ آن‌ها را چه در اسلام باشد چه در مسیحیت و چه در بودیسم یا هندوئیسم یا حتی خرافه‌ها، امر قدسی می‌نامند.

به هر حال، یکی از روش‌های طبقه‌بندی مکان، استفاده از مفهوم تقدس به‌عنوان معیار اصلی است که به این ترتیب، مکان‌ها به دو گروه اصلی «مقدس» و «نامقدس» تقسیم می‌شوند. در این مقوله، این نکته را نباید مغفول نهاد که این روش طبقه‌بندی برای مکان عموماً در میان دینداران مطرح است؛ چرا که در دوران مدرن و حذف آرای متألهین در مطالعات، مکان و فضا همگن هستند و موضوع تقدس در این مقولات منتفی است. علاوه بر این، مقصود از نامقدس، خبیث بودن نیست، بلکه می‌توان هم مکان‌های خنثی و همگن (به مفهوم غیرمقدس) و هم مکان‌های متضاد با تقدس مکان (به مفهوم نامقدس) را قرار داد. نمونه‌ها و مراتب این نوع طبقه‌بندی مکان را می‌توان در مکان‌هایی که از سوی خداوند متعال مقدس نامیده شده‌اند (مثل وادی طوی، مکهٔ مکرمه، بیت‌المقدس و مسجدالنبی)، در مکان‌هایی که به‌عنوان مضجع و مزار پیامبران (ع) و اولیا و بزرگان دین تقدس یافته‌اند (مثل بقیع، نجف، کربلا، مشهد، کاظمین، سامراء و مانند اینها)، در مکان‌های تقدس‌یافته از سوی مردمان (مثل تعیین مکان مساجد) و در سایر مکان‌هایی که به نحوی ممکن است با دین مرتبط باشند و مردمان آن‌ها را مقدس بدانند طبقه‌بندی نمود. البته ارزش‌گذاری مکان تا حد تقدس در دوران مدرن و در میان متفیزیک نیز به صورت دیگر و از جمله در مکان‌های قدرت و یادمان‌ها و مقابر رهبران ملی و مکان‌های اتفاقات سرنوشت‌ساز ملی ظاهر شده است. به بیان دیگر، علی‌الظاهر نمادهای معنوی به‌عنوان جلوه‌هایی از حقایق معنوی و روحانی نفی می‌شوند، اما بیش از هر زمان دیگری قرارداد کردن و جعل نماد و نشانه‌ها و مقدس جلوه دادن و احترام به آن‌ها مطرح هستند که نمونهٔ بارز آن را در یادمان‌هایی که به مناسبت‌های مختلف بر پا می‌دارند، در احترام به نشان‌های ملی (سرود و پرچم)، در مکان‌های شبه‌مقدسی که می‌سازند (ر.ک: الیاده ۱۳۷۶)، در ساختمان‌ها و سازه‌هایی که به نوعی «تک» بوده و نشانه‌ای از شهر هستند و حتی در تفکر تقدس‌گونه‌ای که نسبت به برخی افراد مثل خانواده‌های سلطنتی یا قهرمانان و هنرپیشه‌ها دارند، می‌توان مشاهده کرد.

۲.۶. درجهٔ عمومیت مکان

یکی از اصلی‌ترین شیوه‌های طبقه‌بندی مکان در شهر که قاعداً صبغهٔ عمومی بودن آن برجسته می‌شود، میزان عمومیت یا خصوصیت مکان است. هر چقدر که امکان حضور (یا استفاده از) مکانی از نظر تعداد جمعیت و طول زمان (در شبانه‌روز) افزایش یابد، آن مکان عمومی‌تر و هر چقدر که امکان حضور مردم (به شیوه‌های مختلف) محدود شود یا زمان استفاده از آن در شبانه‌روز کاهش یابد، خصوصیت آن مکان افزایش خواهد یافت. گفتنی است که تعداد افراد مراجعه‌کننده نقش اصلی را ایفا می‌کند؛ چراکه اگر مکان‌های کاملاً خصوصی مثل داخل خانه یا اتاقی مد نظر قرار گیرد، آنگاه عامل «زمان» حذف خواهد شد و فقط تعداد جمعیت عامل اصلی تعیین میزان خصوصیت است. به این ترتیب طبقه‌بندی مکان‌ها را با توجه به عامل میزان عمومی بودن در موارد زیر می‌توان مطرح کرد:

الف. خصوصی (بی‌زمان) مثل اتاق خصوصی و مسکن فرد و خانواده.

ب. عمومی خاص (زمان محدود) مثل ادارات و محل‌های کار مراجعه‌کنندگان دو گروه: شاغلان به‌عنوان گروه اصلی و غالب و مراجعین به‌عنوان گروه فرعی.

- ج. عمومی عام (زمان محدود) دفاتر شرکتها، محل‌های عبادت، محل‌های تفریح و ورزش، مکان‌های تغذیه و امثالهم که مراجعه‌کنندگان شامل دو گروه شاغلان (فرعی) و مشتریان (غالب) می‌باشند.
- د. مکان‌های عمومی عام (بی‌زمان)
- ه. مکان‌های باز شهری (بی‌زمان)
- و. مکان‌های شهری (بی‌زمان)
- ز. مکان در مکان



تصاویر ۱ و ۲: تصاویر دو کلاس درس منظم و رسمی



تصویر ۳: مکتب‌خانه و شاگردان نسبتاً آزاد

۳.۶. فعالیت غالب جاری

شیوه دیگری که برای طبقه‌بندی مکان‌ها می‌توان به کار برد، طبقه‌بندی مکان‌ها به تناسب فعالیت عامی است که در آن‌ها در جریان است. بر این اساس قبلاً باید فعالیت‌هایی را که انسان‌ها در شهر و در زندگی خود به آن‌ها مبادرت می‌ورزند، مورد شناسایی قرار داد که در طیف وسیعی مطرح هستند و اهم آن‌ها عبارت‌اند از: سکونت (استراحت،

تغذیه، ارتباطات خانوادگی، گذران اوقات فراغت، ...، عبادت، آموزش، فعالیت‌های حرفه‌ای و شغلی، تفریح، انواع فعالیت‌های ورزشی اعم از ورزش حرفه‌ای با تماشای و ورزش‌های شخصی و تفریحی) خرید، فعالیت‌های حرکتی، خدمت‌رسانی و خدمت‌گیری (انواع سرویس‌ها و تعمیرگاه‌ها)، آیینی و دینی و ملی (که این نوع فعالیت‌ها گاهی به صورت مستقل و گاهی به عنوان فعالیت‌های عبادی، تفریحی، ورزشی و مانند اینها مطرح می‌باشند). در این مقوله شایان ذکر است که برخی از مکان‌ها که برای عده‌ای محدود محل کارند (مثل مساجد، کتابخانه‌ها، شهربازی‌ها، سینماها، تیاترها، ورزشگاه‌ها و مانند اینها برای کارکنانشان)، برای گروهی دیگر (مراجعین و مشتریان آن‌ها) مکان عبادت و مطالعه و تفریح یا ورزش‌اند؛ و همین‌طور است برای مکان‌های خدمت‌رسانی، خرید و فروش و مانند اینها. به هر حال، عوامل عده‌ای در طبقه‌بندی مکان‌ها از منظر فعالیت‌های جاری در آن‌ها ایفای نقش می‌کنند که اهم آن‌ها عبارت‌اند از: استفاده‌کنندگان (خاص یا عام)، زمان استفاده (دائمی یا موقتی)، فعالیت و...

۴.۶. پاسخ‌گویی به نیازهای انسان

روش دیگری برای طبقه‌بندی مکان‌ها قابل طرح است که در آن، مکان‌ها با توجه به ویژگی‌های عامشان و به تناسب پاسخ‌گویی‌شان به نیازها مختلف ساحت‌های حیات انسان طبقه‌بندی می‌شوند. برای انسان سه ساحت حیات (فیزیولوژیک، روانی و معنوی) مطرح است. به این ترتیب، می‌توان مکان‌های مختلف را با توجه به نقشی که در پاسخ‌گویی به نیازهای ساحتی از حیات ایفا می‌نمایند طبقه‌بندی کرد. البته برای این نوع طبقه‌بندی می‌توان زیرمجموعه‌هایی را در نظر گرفت، یا اینکه به تناسب غلبه ساحتی خاص مکان را با تسامح به همان ساحت (یا تلفیقی از ساحت‌ها) منتسب دانست.

۵.۶. میزان رسمیت یا خودمانی بودن مکان

از این منظر نیز می‌توان به طبقه‌بندی مکان‌ها پرداخت. بسیاری از عوامل عینی و ذهنی می‌توانند میزان رسمی بودن یا خودمانی بودن مکان و غیررسمی بودن آن را تعریف کنند. مثلاً محضر فرد یا افراد خاص که به هر دلیلی دارای مقامی هستند، رسمی بودن مکان را افزایش می‌دهد، درحالی‌که تجانس همگی افراد مثلاً جوانان یا کودکان یا زنان و مردان یا همکاران و همسن و سالان می‌تواند به خودمانی بودن مکان گواهی دهند. نمونه دیگر، ایفای نقش مکان به عنوان ظهور و بروز برخی فعالیت‌ها نیز می‌تواند میزان رسمی یا خودمانی بودن مکان را تعریف نماید؛ مثلاً مکان برای آیین‌های رسمی، مکان کارناوال‌های جشن‌ها، هر نوع فعالیت جاری در مکان که به نوعی برای حاضرین محدودیتی در رفتار ایجاد نماید، یا مکانی کاملاً آزاد برای هر رفتاری که عرفاً مجاز است نیز میزان رسمیت مکان را تعریف می‌کنند. ارزش‌های فرهنگی و عرفی نیز می‌توانند به مکان صبغه رسمی بودن یا رنگ خودمانی بودن بدهند. مثلاً در یک جامعه (جداً) پدرسالار، حضور پدر چنان رسمیتی به مکان می‌بخشد که گاهی قابل وصف نیست، درحالی‌که همان مکان در غیاب او برای اعضای خانواده کاملاً خودمانی است. همین‌طور است درباره یک معلم جدی و سختگیر (تصاویر ۱ و ۲) یا معلم مهربان و همراه (تصویر ۳).

خاتمه

اگرچه بسیاری از موارد مطرح در مقاله، به نحوی خودشان نتایج مطالعاتی گسترده هستند که از مدت‌ها قبل در تحلیل متون و ادبیات در دسترس درباره شهر و فضا و مکان به انحاء مختلف بیان شده‌اند، به اصلی‌ترین نتایج و دریافت مباحث اشاره می‌شود. به عنوان اولین نکته می‌توان به ضرورت ارائه تعاریف بومی و روزآمد از همه آنچه از سایر جوامع و فرهنگ‌ها اخذ می‌شود و همچنین برای موضوعاتی که در تمدن بومی سابقه دارند و شرایط و ویژگی‌ها و عملکردشان تغییر نموده است اشاره کرد. این تعاریف ضمن آنکه می‌توانند ادبیات واحدی را در میان دست اندرکاران ترویج نمایند، در احراز و تقویت هویت ملی و حتی تأثیرگذاری بر سایر فرهنگ‌ها نقشی شایان توجه ایفا می‌کنند.

نکته دیگری که رعایت آن به خصوص در تعاملات با سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها ضرورتی جدی است، ریشه‌یابی برخی موضوعات و حتی تعبیر مأخوذ از دیگران است. این ریشه‌یابی حتی در زمینه‌ها و موضوعاتی که ظاهراً

جدیدالولاده هستند نیز صادق است و چه بسا برای این موضوعات ظاهراً جدید بتوان نسخه‌های بومی را که حتی گاهی متعالی‌تر و کامل‌تر و پیشرفته‌تر از نسخه‌های بیگانه آن‌ها هستند، شناسایی کرد. این موضوع در زمینه‌های فلسفی و نظری جلوه‌های بیشتری دارند.

قلندران حقیقت، به نیم‌جو نخرند
قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است
(حافظ)

پی‌نوشت‌ها

۱. مرحوم علامه جعفری در طبقه‌بندی فرهنگ‌ها و ارتباطات آن‌ها دو دسته اصلی «فرهنگ پیرو» و «فرهنگ پیشرو» را مطرح می‌کند (جعفری ۱۳۷۳).
۲. این درست است که در بسیاری از این فضاها افراد به‌عنوان شاغل حاضر می‌شوند اما بسیاری کسان دیگر برای بهره‌گیری از خدمات و امکانات رایج در آن‌ها به این‌گونه فضاها و مکان‌ها مراجعه می‌کنند.
۳. هر چند که استفاده بی‌رویه و بی‌منطق و مقلدانه از ماشین (به معنای عام آن) نیز ابتلائات خاص خود را دارد (ر.ک: نقی‌زاده ۱۳۸۱؛ هاکسلی ۱۳۸۲).
۴. در معنی مورد نظر از واژه «بومی» می‌توان به همه ویژگی‌ها و مختصات موجود در یک سرزمین مثل شرایط طبیعی و اقلیمی و فرهنگ اشاره کرد و در تعریف اصطلاح «روزآمد» نیز شرایط و ویژگی‌های مطلوب و مناسب روز و معاصر و مورد نیاز مد نظر قرار دارد.

منابع

- اعوانی، غلامرضا و دیگران. ۱۳۷۳. علم و دین (میزگرد). مجله نامه فرهنگ (۱۳): ۲۹-۱۰.
- ایاده، میرچیا. ۱۳۷۶. رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- جعفری، محمدتقی. ۱۳۷۶. ترجمه و تفسیر نهج‌البلاغه (ج ۲۵). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- _____ . ۱۳۷۳. فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کارمونا، میتو و دیگران. ۱۳۸۸. مکان‌های عمومی فضاها شهر. ترجمه مهشید شکوهی. تهران: دانشگاه هنر.
- گنون، رنه. ۱۳۶۱. سیطره کمیت و علائم آخر زمان. ترجمه علیمحمد کاردان. تهران: نشر مرکز دانشگاهی.
- لوکربوزیه. ۱۳۵۵. منشور آتن. ترجمه محمدمنصور فلامکی. تهران: دانشگاه تهران.
- محتشم امیری، سعیده. ۱۳۹۲. بررسی و تحلیل ویژگی‌های شهر مطلوب در آراء حکمای مسلمان (رساله دکتری). تهران: واحد علوم و تحقیقات دانشکده هنر و معماری.
- محقق داماد، سیدمصطفی. ۱۳۸۰. ضرورت ارتقاء ارزش‌های دینی و فرهنگی در توسعه پایدار. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- نصر، سیدحسین. ۱۳۷۲. تصوف و تعقل در اسلام. مجله نامه فرهنگ (۱۲): ۸۵-۷۲.
- نقی‌زاده، محمد. ۱۳۹۲ الف. هویت شهر (مبانی، مؤلفه‌ها و جلوه‌ها). تهران: جهاد دانشگاهی.
- _____ . ۱۳۹۲ ب. تحلیل و طراحی فضای شهری (مبانی، تعاریف، معیارها، شیوه‌ها). تهران: جهاد دانشگاهی.
- _____ . ۱۳۹۰ الف. شهر آرمانی اسلام یا فضای حیات طیبه. تهران: نشر شهر.
- _____ . ۱۳۹۰ ب. تأملاتی در نسخه ایرانی توسعه پایدار شهری (زمینه‌ها، مبانی، مصادیق). تهران: نشر شهر.
- _____ . ۱۳۸۹. روایتی ایرانی از حکمت، معنا و مصادیق هنر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ . ۱۳۸۸. مبانی هنردینی در فرهنگ اسلامی (مبانی نظری، نظام فکری، تجلیات و عینیات). تهران: نشر شهر.
- _____ . ۱۳۸۱. ماشین‌زدگی، از خود بیگانگی و بحران هویت. مجله نامه فرهنگ (۴۶): ۱۰۸-۹۰.
- نقی‌زاده محمد و سعیده محتشم امیری. ۱۳۹۱. توسعه پایدار شهری از منظر عبدالرحمن ابن‌خلدون. دوفصلنامه علمی پژوهشی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان (۲): ۲۹-۱.
- هاکسلی، آلدوس. ۱۳۸۲. بت‌پرستی. ترجمه مصطفی ملکیان. در کیمیا (دفتری در ادبیات و هنر و عرفان، ۵). تهران: انتشارات روزنه.